

Determination of the Scope of Yathrib/al-Medina in the period of the Prophet; A Critical Approach to Oriental Studies

Mehran Esmaeili*

Department of History and civilization of Muslim Nations, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran,
me_esmaeili@sbu.ac.ir

Abstract

Yathrib was one of the main settlements in the Hijaz region in early Islam, and it was of great importance because the Prophet migrated from Mecca to Yathrib and founded his state there and many Quranic verses has received in its environment. The question is to what extent were orientalist able to approach the historical geographical reality of the Yathrib and how we could evaluate their views on the border of Yathrib? To answer this question, the orientalist views are presented first, then the results of the other studies are compared with them, in order to identify the errors found in the Oriental studies. On the other hand, due to the siege of Yathrib in the center of lava field area, the GIS will be used to measure the area of the settlement. The results show that, despite numerous studies on Yathrib, orientalist have not reached agreement on its scope. The orientalist did not follow the model of the city state suggested by Wellhausen. The model of the town settlement, presented by Frants Buhl at the beginning of the 20st century and Harry Munt in the end, was not justified enough. Watt remained in doubt between the oasis and the town, and Lacker spoke of the pattern of cluster towns. Ultimately, Marco Schöller did not provide the Yathrib settlement model, but he was the first to measure the Yatrabi area: "a few square miles", but it was not helpful. On the other hand, the reconstructed maps also shows pattern of town considering its area as a limited region reduced to 25 hectares. While studies on the settlements of the Aws and Khazraj sub-trebes show that the area they were live was more than 4000 hectares.

Keywords: Orientalists; Yathrib; al-Medina; Historical Geography, Early Islam

* Corresponding author

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و پنجم، دوره جدید، سال یازدهم
شماره اول (پیاپی ۴۱)، بهار ۱۳۹۸، صص ۳۵-۴۹
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۲/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰

تعیین محدوده یثرب/مدینه در دوره پیامبر؛ رویکردی انتقادی به مطالعه‌های خاورشناسی

مهران اسماعیلی*

چکیده

در ابتدای دوران اسلامی، یثرب از سکونتگاه‌های عمده منطقه حجاز بود. به علت مهاجرت پیامبر(ص) به آنجا و شکل‌گیری حکومت پیامبر در آن سرزمین و همچنین نزول بخش درخور توجهی از پیام‌های الهی در یثرب، این سکونتگاه اهمیت چشمگیری داشت. این مقاله بر آن است دریابد مستشرقان تا چه اندازه موفق شده‌اند به واقعیت تاریخی یثرب/مدینه نزدیک شوند و همچنین تصورشان از محدوده یثرب/مدینه چگونه است. برای پاسخ به این مسئله ابتدا آرای خاورشناسان درباره یثرب/مدینه مرور می‌شود؛ سپس نتایج مطالعه‌های خاورشناسی با آخرین دستاوردهای پژوهشگران مسلمان، در حوزه تاریخ محلی مدینه، مقایسه خواهد شد تا میزان مطابقت آنها با یکدیگر مشخص شود. از سوی دیگر، به علت محاصره‌بودن سکونتگاه مدینه در میان دشت گدازه‌های یثرب، برای تعیین مساحت این سکونتگاه از سامانه GIS استفاده خواهد شد.

نتایج نشان می‌دهند باوجود پژوهش‌های متعدد مدینه‌شناختی، خاورشناسان بر سر محدوده آن به توافق نرسیده‌اند. خاورشناسان الگوی «دولت‌شهر مدینه» ولهاوزن (J. Wellhausen) را دنبال نکردند. الگوی «شهرک مدینه» که فرانتس بوهل (F. Buhl) در آغاز سده بیست میلادی/چهاردهم هجری و نیز هری مانت (H. Munt) در پایان آن مطرح کرد توجیه کافی نداشت. وات (W. Watt) بین تعبیر «واحه» و «شهرک» در تردید ماند و لیکر (M. Lecker) الگوی «شهرک‌های خوشه‌ای» را دنبال کرد. درنهایت، شولر (M. Scholler) بدون اینکه برای سکونتگاه یثرب الگویی ارائه کند یا نامی بر آن نهد، برای نخستین بار مساحت یثرب/مدینه را معادل «چندین مایل مربع» دانست که چندان صائب نبود. نقشه‌های بازسازی‌شده خاورشناسان نیز به طور معمول گویای الگوی «شهرک» بودند و مساحت اندک مدینه را به ۲۵ هکتار تقلیل می‌دادند؛ در حالی که مطالعه‌های انجام شده روی سکونتگاه‌های طوایف اوس و خزرج نشان می‌داد مساحت این منطقه بالغ بر چهار هزار هکتار بوده است.

واژه‌های کلیدی: خاورشناسان، یثرب، مدینه، جغرافیای تاریخی، صدر اسلام

* استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، me_esmaeili@sbu.ac.ir

مقدمه

امروزه مدینه‌شناسی و به طور کلی شناخت همه‌جانبه تحولات عصر پیامبر(ص) اهمیت بیشتری پیدا کرده است. از سویی، مدینه نخستین جامعه مسلمان بود؛ از سویی دیگر، مدینه پایگاه حکومت ده‌ساله پیامبر هم بود و تجارب اسلامی در عرصه‌های اجتماعی و اداری و سیاسی ابتدا آنجا محقق شد. تعالیم پیامبر به طور عمده درون جامعه مدینه شنیده شد و سپس نقل شد و نخستین نگارش تاریخ پیامبر(ص) و نقل یا ثبت سخنان و سیره ایشان در این شهر انجام شد؛ از این رو شناخت مدینه، علاوه بر فهم بهتر رویدادهای عصر رسالت، در جایگاه بافت و زمینه فهم سنت‌های نبوی هم حائز اهمیت است. سنت‌هایی که پژوهشگران می‌کوشند مبانی نظری و چارچوب‌های نظری دانش‌های تخصصی خود را از آن استخراج کنند.

در وهله نخست، به نظر می‌رسد جغرافیای تاریخی مدینه باید موضوعی شناخته‌شده باشد و برای پژوهشگرانی که از تاریخ مطالعه‌های آنها دهه‌ها گذشته است، مساحت آن باید مشخص باشد. مرور ابتدایی مطالعه‌هایی که تاکنون صورت گرفته است خلاف این فرض را نشان می‌دهد.

پیش از ورود به بحث، شایسته است گفته شود بازه زمانی بررسی شده در این مقاله عصر پیامبر(ص) است. از حدود نیم سده پیش از هجرت پیامبر(ص) تا پایان سده نخست هجری ساختار جغرافیایی اجتماعی یثرب بدون تغییر باقی ماند؛ از این رو در این مقاله، هرگاه از یثرب سخن گفته شود مقصود دوره متأخر مرحله پیشااسلامی است و چنانچه از مدینه سخن به میان آید مقصود مدینه در دوره پیامبر(ص) است. در این مقطع زمانی، این سکونتگاه تغییرات ساختاری اندکی به خود دیده

است (اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۲۹ تا ۴۶)؛ بنابراین در متن مقاله، از تعبیر «یثرب/مدینه» استفاده شده است. از طرفی، به نظر می‌رسد یثربی که بطلمیوس به آن اشاره کرده سکونتگاه کوچکی بیش نبوده است؛ از طرف دیگر، از سده سوم هجری/نهم میلادی مدینه شهری شناخته شد با ابعاد محدود و بارویی مشخص که تا سده سیزده هجری/نوزدهم میلادی ادامه حیات داد و در چند دهه اخیر رو به گسترش گذاشت (اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۲۹ تا ۴۶)؛ از این رو، یثرب دوره باستانی و همچنین مدینه سده سوم هجری به بعد موضوع این بررسی نیست. این مقاله فقط بر یثرب در آستانه مهاجرت پیامبر(ص) متمرکز شده است و در پی پاسخ‌دادن به این پرسش است که یثرب عصر پیامبر(ص) چه مساحتی داشت و چه قلمرویی را دربرمی‌گرفت.

شهرهای تاریخی به طور معمول شهرهایی بودند که با محدوده و مساحتی اندک طراحی می‌شدند و در صورتی که چهارگوش بودند طول و عرضشان از چند صد متر فراتر نمی‌رفت. شهرهای دایره‌ای شکل نیز مساحتی مشابه داشتند. مدینه از سده سه هجری و پس از آن نیز از این قاعده مستثنا نبود. در سده‌های نخست، دیواره‌های این شهر به گونه‌ای طراحی شده بود که قبرستان بقیع در بیرون شهر بود. قبرستانی که امروزه نزدیک مسجدالنبی و در حاشیه شرقی حرم نبوی قرار گرفته است. از جهت غرب نیز سوق المَنَاحَۃ که بارانداز کاروان‌های تجاری بود در بیرون از محدوده نخستین شهر قرار داشت. اطلاعات ما از باروی مدینه به وضوح نشان می‌دهد طول هر یک از اضلاع آن پانصد و پنجاه متر بود؛ از این رو، مساحت شهر حدود دویست و پنجاه هزار متر مربع (یک‌دهم میل مربع) معادل بیست و پنج هکتار می‌شد (کعکی، ۲۰۰۶: ۲/۳/۴۱۵).

دیواره‌های مدینه نخستین بار در قرن سوم هجری کشیده شد و پیش از آن، مدینه فاقد بارو بود. بر این اساس، بیست و پنج هکتار مساحت اشاره شده مساحت شهر مدینه در سده سوم هجری است و این امکان وجود ندارد که آن را به دوره پیامبر (ص) تعمیم داد.

در باب پیشینه پژوهش در این زمینه باید گفت مطالعه‌های پیشین به زبان فارسی یا عربی یا زبان‌های دیگر، به مطالعه‌های صورت گرفته خاورشناسان بر جغرافیای مدینه نگرشی انتقادی ندارند؛ از جمله این آثار باید به مطالعه‌های زیر اشاره کرد: مدینه‌شناسی (۱۳۶۴ش) اثر سید محمد باقر نجفی، جغرافیای تاریخی مدینه منوره (۱۳۷۶ش) پایان‌نامه کارشناسی ارشد سید مهدی مولوی پور، یثرب قبل الاسلام (۱۹۸۶م) اثر محمد سیدالوکیل، مدینه یثرب قبل الاسلام (۱۹۹۳م) اثر یاسین غضبان، آثار المدینه المنوره (۱۹۳۴م) اثر عبدالقدوس انصاری، خطط المدینه المنوره (۱۹۶۶م) اثر صالح احمد العلی، مکه و المدینه فی الجاهلیه و عصر الرسول (۱۹۶۵م) اثر احمد ابراهیم الشریف، اطلس التاریخ العربی الاسلامی (۱۹۸۴م) اثر شوقی ابوخلیل، اطلس التاریخ العربی الاسلامی (۱۹۸۷م) اثر حسین مونس، اطلس تاریخ اسلام (۱۳۸۹ش) به کوشش ابوالفضل بنایی کاشی و اثر درخور تقدیر عبدالعزیز کعکی با نام معالم المدینه المنوره بین العماره و التاریخ. در باب آثار مکه و مدینه و همچنین در باب تاریخ پیامبر (ص) نیز مطالعه‌های متعددی صورت گرفته است که در آنها رویکرد انتقادی به آرای خاورشناسان کمتر مشهود است.

در این مقاله، ابتدا نظریه‌های خاورشناسان مرور می‌شود تا مشخص شود آنها به طور دقیق از یثرب/مدینه چه تصویری دارند. علاوه بر این، مشخص خواهد شد براساس تعریف هریک از

خاورشناسان، یثرب/مدینه چه مساحتی داشته است. در ادامه، مطالعه‌های اخیر مسلمانان بررسی می‌شود تا نشان داده شود تصور خاورشناسان از یثرب/مدینه ناصواب است. شناخت مرزهای یثرب/مدینه با دشت‌گدازه‌های اطراف آن موضوعی است که ما را به مساحت محدوده یثرب نزدیک خواهد کرد. مشخص کردن این مرزها جز با مطالعه‌های خاک‌شناسی در مدینه در دسترس نخواهد بود؛ از این رو، از مطالعه‌های صورت گرفته در این زمینه استفاده خواهد شد. با تعیین مرزهای دشت‌گدازه‌هایی که از چند طرف یثرب/مدینه را صیانت می‌کردند مشخص کردن مساحت حدودی یثرب/مدینه با سامانه GIS امکان‌پذیر می‌شود. مقایسه نتایج به دست آمده با نظریه‌های خاورشناسان درباره یثرب/مدینه نشان می‌دهد تلقی آنان از محدوده یثرب/مدینه نادرست است.

بررسی نظریه‌های خاورشناسان

نخستین مطالعه جدی صورت گرفته درباره مدینه از آن پژوهشگر آلمانی، یولیوس ولهاوزن (۱۸۴۴ تا ۱۹۱۸م/ ۱۲۲۳ تا ۱۲۹۷ش)، است. او در بخش نخستین کتابی که با نام مدینه پیش از اسلام نوشت، جغرافیای مدینه را بررسی کرد؛ همچنین پس از مقدمه‌های کوتاهی درباره موقعیت جغرافیایی مدینه در حجاز و وضعیت طبیعی آن، مدینه را این گونه تعریف کرد: «مدینه همچون خیبر و دیگر واحه‌های زراعی شمال غرب شبه جزیره، مجموعه‌ای از خانه‌های کشاورزی، روستاها و قلعه‌هاست که بین نخل‌ها، باغ‌ها و مزارع پراکنده‌اند و بیش از آنکه یک شهر باشد یک (Synoecismus) است» (Wellhausen, 1884: 4). در زبان فارسی، (Synoecismus) به «دولت‌شهر» ترجمه شده است و

یادآور عصر دولت‌شهرهای سومر در بین‌النهرین و همچنین دولت‌شهرهای یونانی در تاریخ باستان است. در دولت‌شهرها، قدرتی مرکزی در شهر وجود داشت و روستاها و سکونتگاه‌های پیرامونی شهر، به لحاظ سیاسی و اقتصادی و امنیتی، زیر مجموعه آن قرار می‌گرفتند. تشبیه مدینه به دولت‌شهر از سوی ولهاوزن، با چنین ذهنیتی به تاریخ باستان باید فهمیده شود. ولهاوزن به طور مستقیم به مساحت و محدودهٔ یشرب اشاره نکرده است؛ ولی تعریف او از این سکونتگاه بیان‌کنندهٔ آن است که این امکان وجود ندارد مساحت مدینه را به اندازهٔ یکی از شهرهای کهن محدود دانست و در طراحی مجدد یشرب و بازسازی آن، چندین روستا را در آن باید در نظر گرفت.

پس از او و در سال‌های ابتدایی سده بیست میلادی، هنگامی که نخستین ویرایش دایرةالمعارف اسلام لایدن منتشر شد، مدخل «مدینه» را فرانتس بوهل (۱۸۵۰ تا ۱۹۳۲ م/ ۱۲۲۹ تا ۱۳۱۱ ش)، پژوهشگر دانمارکی، نوشت. بوهل در شناسهٔ این مدخل که در سال ۱۹۳۴ م/ ۱۳۱۳ ش منتشر شد مدینه را «شهرکی که پیامبر در آن اقامت داشت» معرفی کرد و در توصیف مدینه از واژهٔ (town) استفاده کرد (Buhl, 1916-1936: Al-Madina). امروزه در مطالعه‌های شهری، واژهٔ (town) به سکونتگاهی گفته می‌شود که از شهر (city) کوچک‌تر و از روستا (village) بزرگ‌تر باشد (<https://www.nationalgeographic.org/encyclopedia/urban-area/>). تعریف بوهل را برای مدینه سده سوم هجری و پس از آن شاید بتوان پذیرفت؛ ولی تعمیم آن بر یشرب عصر پیامبر (ص) ناممکن است. درواقع، بوهل تعریف متأخر مدینه را بر دورهٔ متقدم مدینه تعمیم داده است؛ بنابراین بوهل، برخلاف ولهاوزن، مدینه را شهرکی با مساحت محدود در نظر

گرفته است.

پس از بوهل، نوبت به ویلیام مونتگومری وات (William Montgomery Watt) (۱۹۰۹ تا ۲۰۰۶ م/ ۱۲۸۸ تا ۱۳۸۵ ش)، استاد اسکاتلندی، رسید. وات از پنجاه و پنج سالگی و به مدت پانزده سال کرسی مطالعه‌های اسلامی دانشگاه ادینبرا را در اختیار داشت. وات در میان‌سال‌ی و پیش از آنکه این کرسی به او واگذار شود، نخستین آثار خود را دربارهٔ پیامبر نوشت. آثاری مانند محمد در مکه (۱۹۸۰)، محمد در مدینه (۱۹۹۰)، محمد: پیامبر و دولتمرد (۱۹۹۶). مرور این سه اثر نشان می‌دهد موضوع جغرافیای تاریخی مدینه در دورهٔ پیامبر (ص) مسئلهٔ پژوهشی وات نبوده است و او به صورت مجزا این موضوع را بررسی نکرده است. پس از حدود سه دهه، وات مدخل «مدینه» را در ویرایش دوم دایرةالمعارف اسلام لایدن نوشت و آنجا ابهام موجود در محدوده و مساحت یشرب/مدینه را متوجه شد.

در سال ۱۹۸۶ م/ ۱۳۶۵ ش، مقالهٔ وات دربارهٔ مدینه در ویرایش دوم دایرةالمعارف اسلام منتشر شد. مقالهٔ وات شامل دو بخش است: پیش از اسلام و پس از اسلام. او برای بررسی این منطقه در دورهٔ پیشااسلامی نام «یشرب» را انتخاب کرد و برای دورهٔ اسلامی نام «مدینه» را برگزید. تقسیم دوگانهٔ وات تفکیکی زمانی است که نشان می‌دهد از نظر او، جغرافیای کالبدی یشرب با جغرافیای کالبدی مدینه یکسان است و جز در نام تفاوت دیگری ندارد؛ در نتیجه، هرگونه یشرب را توصیف کند وصف مدینه نیز همان‌گونه خواهد بود. او در بخش پیشااسلامی و هنگام توصیف یشرب، به جای آنکه از واژه شهر یا شهرک استفاده کند، یشرب را «واحه» معرفی می‌کند.

پیش از او ولهاوزن نیز یشرب را یکی از واحه‌های شمال‌غربی شبه‌جزیره دانسته بود. تفاوت

وات با ولهاوزن در آن بود که ولهاوزن برای دوره صدر اسلام از تعبیر «دولت‌شهر مدینه» استفاده کرده بود؛ ولی وات برای این دوره از «شهرک مدینه» بهره برد: «یک شهرک متشکل از تعدادی سکونتگاه که نخلستان‌ها و مزارع اطراف آن را گرفته‌اند و قلعه‌های کوچکی که تعدادشان به دویست قلعه می‌رسد، صیانت از آن را به‌عهده دارند» (Watt, 1986: 5/994). تأکید وات بر واژه «شهرک» نشان می‌دهد از نظر او مدینه مساحت چندانی نداشته است.

حال باید درصدد پاسخ به این پرسش برآمد که گستره واحه چقدر است. واحه بیش از آنکه نشان دهد چه مقدار جمعیت در آنجا سکونت داشته و چه قلمرویی در اختیار داشته‌اند از وجود آب و سرسبزی در میان بیابان حکایت می‌کند. واژه واحه که به معنی آبادی و سرسبزی شکل گرفته در اطراف یک برکه است (Hanks, 2011: 98)، از نظر ریشه‌شناسی به مصر باستان بازمی‌گردد. کاربرد این واژه برای دیگر آبادی‌های مناطق بیابانی جهان، به‌احتمال محصول تعمیم‌های مطالعه‌های مصرشناسانه دوره معاصر است. جغرافی‌دانان مسلمان برای تعریف و توصیف این منطقه از این واژه استفاده نکرده‌اند و پژوهشگران معاصر برای درک معنای آن باید به فرهنگ‌نامه‌های تخصصی معاصر مراجعه کنند؛ هرچند معانی فرهنگ‌نامه‌ای نیز مشخص نمی‌کنند محدوده واحه به طور معمول چقدر است و در نتیجه، در تعریف وات هم مشخص نمی‌شود مساحت «واحه یثرب» چقدر است.

هم‌زمان با وات، میر یاکوب کیستر (Meir Jacob Kister) (۱۹۱۴/لهستان تا ۲۰۱۰/فلسطین) نیز پژوهش‌های خود را بر تاریخ پیامبر(ص) و عرب پیش از اسلام متمرکز کرده بود و

انتظار می‌رفت درصدد حل این مسئله برآید. در آثار او، یعنی مطالعاتی پیرامون جاهلیت و صدر اسلام (۱۹۱۰) و جامعه و مذهب از جاهلیت تا اسلام (۱۹۹۰) و مفاهیم و ایده‌ها در بامداد اسلام (۱۹۹۷)، جغرافیای تاریخی یثرب بررسی نشده بود. به‌نظر می‌رسد به‌مرور، کیستر نیز متوجه ابهام و مسئله جغرافیای تاریخی مدینه شده بود و به‌احتمال، به همین علت شاگرد او، مایکل لکر (Michael Lecker) (متولد ۱۳۲۹/۱۹۵۱ش)، این مسئله را بررسی کرد. رساله دکتری لکر فعالیت‌های پیامبر(ص) در مدینه بود. او پس از آن در چندین مقاله، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، جغرافیای تاریخی مدینه را واکاوی کرد. مقاله‌هایی همچون رویکردی جغرافیایی به محمد در مدینه (Lecker, 1985: 29-62)، بازارهای مدینه در پیش از اسلام و صدر اسلام (Lecker, 1986: 133-147) و شهرک‌های گمشده (Lecker, 2009: 29-35).

برخلاف انتظار، لکر در مقاله «رویکردی جغرافیایی به محمد در مدینه» درصدد برنیامد تمامی مؤلفه‌ها و اجزا و بخش‌های مدینه را بررسی کند و نسبت آنها را با یکدیگر بسنجد. او پس از مقدمه کوتاهی درباره ضرورت رویکرد جغرافیایی، بخش‌های خُرد آن منطقه همچون راتج، حُسَیکَه، الحَشَاشین، ثَمغ، ژهره، ژباله و قُف را بررسی کرد. او بیش از هر امری کوشید به سکونتگاه‌های یهودی‌نشین یثرب توجه کند. سکونتگاه‌هایی که کمتر در کانون توجه مورخان مسلمان قرار گرفته بود. هنگامی که او آثار خود را می‌نوشت مسئله محدوده مدینه هنوز حل نشده باقی‌مانده بود و لکر نمی‌خواست به‌گونه‌ای مقاله خود را پیش برد که ناخواسته درگیر آن مسئله شود.

لکر در مقاله بازارهای مدینه/یثرب موقعیت

جغرافیایی و صاحبان بازارهای چهارگانه‌ای را بررسی کرد که سَمهودی آنها را نام برده بود؛ یعنی بازار صَفَاف، بازار قینقاع، بازار مُزاجِم و بازار زباله. او به این نتیجه رسید علاوه بر این بازارها، شهرک‌های متعددی در این منطقه وجود داشته است که یثرب یکی از آنهاست. مقصود لکر از شهرک یثرب همان بخش بسیار کوچکی است که در دوره اسلامی طایفه بنی حارثه از اوس در آن ساکن بودند و هنگام نبرد احد یا خندق تلاش می‌کردند به بهانه حفاظت از آن از حمایت کردن پیامبر(ص) دست بردارند؛ پس نباید چنین تصور کرد که مقصود او تمام سکونتگاه‌های اوس و خزرج است.

درواقع، مقصود او از یثرب همان یثرب کهنی است که پیش از مهاجرت اوس و خزرج اقوامی در آن سکونت داشتند و بعدها، در دوره اسلامی، سکونتگاه طایفه اوسی بنی حارثه شد. بنابراین تعبیر او از یثرب با تعبیر وات و ولهاوزن متفاوت است. آنها از یثربی سخن می‌گفتند که سکونتگاه طوایف متعدد اوسی، خزرجی و یهودی بود؛ اما یثربی که لکر از آن صحبت می‌کند یثرب قدیمی است که طایفه‌ای یهودی در آن زندگی می‌کردند. او مناطق دیگری همچون راتِج، حَسِیکَه، الحَشَّاشین، ثَمغ، زهره، زباله و قف را نیز شهرک می‌داند و در مقاله *بازارهای مدینه/یثرب*، تعبیر شهرک‌های خوشه‌ای (Cluster of towns) را چندین بار به کار می‌برد.

به این ترتیب، لکر به این پرسش که به تمام این منطقه یا سرزمین چه می‌گفتند جواب صریحی نداد. بنابراین، این امکان وجود ندارد که از پژوهش‌های لکر به نتیجه‌ای واضح در باب وسعت مدینه دست یافت؛ هرچند او در عنوان مقاله خود از واژه مدینه استفاده می‌کند و تمام این شهرک‌ها و بازارها را به آن منتسب می‌کند.

کمتر از دو دهه پس از انتشار مقاله‌های وات و لکر، مارکو شولر مدخل «مدینه» دایرةالمعارف قرآن را نوشت (Schöller, 2003: 3/367). شولر نیز ابهام جغرافیایی مدینه و محدوده آن را متوجه شد و در این مقاله با احتیاط بیشتری سخن گفت و برای مدینه واژه شهر (city) یا شهرک (town) را به کار نبرد. شولر ترجیح داد به همان صورت که وات از ولهاوزن نقل قول کرده بود این سکونتگاه را ترکیبی از مناطق مسکونی بخواند که مزارع و باغ‌ها در حفاصل آنها قرار داشتند. او از کاربرد «دولت‌شهر» ولهاوزن هم چشم پوشید. آنچه شولر به یافته‌های پیشین افزود مساحت مدینه بود. از نظر او، مساحت مدینه در صدر اسلام با مساحت امروزی شهر مدینه یکسان بود و برابر با «چندین مایل مربع» بود. در حالی که بنابر برخی وبگاه‌های رسمی، مساحت امروزی مدینه پنجاه کیلومتر مربع، معادل ۱۹/۳ مایل مربع و ۵ هزار هکتار، است.

(<http://www.the-saudi.net/saudi-arabia/madinah/Madinah%20City%20-%20Saudi%20Arabia.htm>)

پس از مقاله شولر، در سال ۲۰۱۴م/۱۳۹۳ش، هری مانت کتاب *شهر مقدس مدینه را منتشر کرد*. در این کتاب، مسئله او این بود که نشان دهد چگونه در فرایندی تدریجی و طی سه قرن، مدینه به شهری مقدس تبدیل شد تا در کنار مکه و بیت‌المقدس جای گیرد (Munt, 2014: all over the book). هری مانت در جای‌جای کتاب خود از مدینه با نام «شهرک» یاد کرده است؛ ولی هر جا خواسته است به جنبه قدسی آن اشاره کند، آن را «شهر» مقدس خوانده است. برای مانت، مسئله محدوده مدینه یا یثرب در صدر اسلام اهمیت چندانی نداشت. مانت در مقاله‌های خود، یعنی *نگارش تاریخ شهری مقدس: ابن‌زباله و نخستین تاریخ محلی مدینه* (Munt, 2012: 1-34) و *پیامبر پیش از پیامبر: ابن‌زباله در مدینه پیش از اسلام* (Munt, 2013: 1-30) نیز سراسر از مدینه پس از

اسلام و یثرب پیش از اسلام با نام یک شهرک سخن گفته است.

نقشه‌های تاریخی خاورشناسان از مدینه‌النبی

این امکان وجود دارد که نقشه‌های تاریخی بازسازی‌شده خاورشناسان از سرزمین‌های اسلامی را نیز بخشی از مطالعه‌های خاورشناسی در نظر گرفت. پذیرفته است که بازسازی نقشه مدینه صدر اسلام از پژوهش درباره آن دشوارتر است؛ زیرا در بازترسیم نقشه تاریخی، پژوهشگر به ارائه تصویری کامل از مدینه ناچار است و باید موقعیت جغرافیایی تک‌تک مناطق و خرده‌مناطق مدینه و نسبتشان با یکدیگر را نشان دهد. نقشه‌الدین راتر (Eldon Rutter)، سیاح انگلیسی، نخستین نقشه‌ای است که در سده بیست میلادی از مدینه ترسیم شد. این نقشه شهر مدینه، کوچه‌ها، دروازه‌ها و دیواره آن را در سال‌های آغازین سده بیست میلادی نشان می‌دهد. با این حال، واحد اندازه‌گیری حاشیه نقشه نشان می‌دهد طول اضلاع شهر دوزنقه‌ای شکل مدینه بیش از پانصد متر نیست (Rutter, 1928: 558-562)؛ در نتیجه، مساحت آن حدود دویست و پنجاه هزار متر مربع و معادل بیست و پنج هکتار یا ۰/۱ میل مربع است.

هم‌زمان با کوشش‌های خاورشناسان در نیمه دوم سده بیست میلادی، پژوهش‌هایی در جهان اسلام صورت گرفت که باید به برخی از آنها اشاره کرد. عبدالقدوس انصاری (۱۹۱۰ تا ۱۹۸۳ م/ ۱۲۸۷ تا ۱۳۶۱ ش)، تاریخ‌شناس محلی مدینه، تلاش کرد در اثر خود، *آثار المدینه المنوره* (۱۳۱۲/۱۹۳۴ ش) که بارها تجدید چاپ شد، نقشه تاریخی یثرب را بازسازی کند و به این منظور، از تصاویر هوایی بهره برد (انصاری، ۱۹۷۳). صالح احمد العلی، استاد برجسته تاریخ و رئیس انجمن علمی عراق، در پی شناسایی نسخه خطی کتاب *وفاء*

الوفاء فی اخبار دار المصطفی مقاله‌ای در باب جزئیات جغرافیای تاریخی مدینه ارائه کرد و سکونتگاه‌های قبایل مدینه در صدر اسلام را بررسی کرد. این مقاله در سال ۱۳۴۵/۱۹۶۶ ش منتشر شد (العلی، ۱۹۶۶).

هم‌زمان با او احمد ابراهیم الشریف در کتاب خود، *مکه و المدینه فی الجاهلیه و عصر الرسول*، همین موضوع را بررسی کرد (الشریف، ۱۹۶۵: ۳۳۳ تا ۳۳۹). نتایج هر سه پژوهش نشان می‌داد کاربرد واژه «شهرک» برای مدینه عصر پیامبر نادرست است؛ با این همه، نقشه ارائه‌شده از مدینه در اطلس تاریخی اسلام لایدن که سال‌ها بعد و در سال ۱۹۸۱ م/ ۱۳۶۰ ش منتشر شد، همچنان مدینه را شهرکی نشان می‌داد. این اطلس را که ویلیام بریس (William Brice) منتشر کرد از مقاله‌های دایرة‌المعارف اسلام لایدن برگرفته شده بود؛ ولی ویراستار اثر برای تهیه نقشه تاریخی مدینه، به همان نقشه ابتدایی راتر اکتفا کرده بود (Brice, 1981: 23).

پس از دو دهه، ویرایش دوم اطلس لایدن در پی بازبینی ویراست نخست و این‌بار به کوشش هیو کیندی، استاد مطالعات اسلامی در مدرسه خاورشناسی و مطالعات آفریقایی لندن، در سال ۲۰۰۲ م/ ۱۳۷۹ م منتشر شد. در این نسخه نیز نقشه مدینه درست همان نقشه راتر بود که در ویراست نخست منتشر شده بود و همان شهرک مدینه را تداعی می‌کرد (Kennedy, 2002: 17).

گوتتا کترمان (Kettermann) نیز در سال ۲۰۰۱ م/ ۱۳۸۰ ش، اطلسی تخصصی به نام *اطلس تاریخ اسلام* به زبان آلمانی منتشر کرد که نقشه‌ای از مدینه دوره پیامبر (ص) را دربرداشت. کترمان در این نقشه تلاش کرد یثرب پیش از اسلام را بازسازی کند؛ ولی چندان موفق نشد و همچنان همان ذهنیت شهر پیشین را

نشان می‌داد (Kettermann, 2001: 17). دیگر اطلس‌های منتشرشده، از مدینه دوره پیامبر (ص) نقشه‌ای نداشتند.

(Roolvink, 1957; Freeman-Grenville, 1993; Ruthven, 2004; Nicolle, 2005).

پرسش پیش رو آن است که چرا در دهه‌های پایانی سده بیست میلادی خاورشناسان متوجه نادرستی تصورشان از یثرب و مدینه صدر اسلام نشدند. به‌ویژه اینکه کتاب تأثیرگذار وفاء الوفاء از سَمهودی که گزارش‌های جغرافیایی فراوانی از کتاب مفقود ابن زباله (د. ۱۹۹ق) نقل کرده بود و برخی مطالعه‌های پژوهشگران مسلمان در زمینه جغرافیای تاریخی یثرب در دسترس بود. در این دوران، انتظار می‌رفت خاورشناسان برای به تصویر کشیدن مدینه، نقشه‌های متعددی از جغرافیای تاریخی مدینه تهیه کنند تا هریک نشان‌دهنده وضعیت مدینه در دوره مشخصی باشد؛ یا باتوجه به اهمیت دوره پیامبر (ص)، از مدینه در صدر اسلام نقشه‌ای ارائه کنند.

در حالی که علاوه بر آثار انصاری و العلی و الشریف، در سال‌های پس از آن نیز مطالعه‌های بااهمیت دیگری صورت گرفت؛ ازجمله آنها اطلس تاریخ عربی اسلامی از شوقی ابوخلیل (۱۹۴۱ تا ۲۰۱۰م/۱۳۲۰ تا ۱۳۸۹ش)، استاد فلسطینی دانشگاه دمشق، بود که بارها تجدید چاپ شد؛ ولی در این اطلس از مدینه صدر اسلام نقشه مستقلی وجود نداشت و با نقشه‌های جنگ احد و خندق، بخشی از این نقشه ترسیم شده بود (نک: ابوخلیل، ۱۹۸۴).

چند سال پس از انتشار ویرایش نخست از اطلس تاریخی اسلام لاییدن، حسین مؤنس (۱۹۱۱ تا ۱۹۹۶م/۱۲۹۰ تا ۱۳۷۵)، استاد دانشگاه قاهره، در اثر درخور تقدیر خود، یعنی *اطلس تاریخ اسلام*، از یثرب و مدینه در صدر اسلام تصویری واضح ارائه کرد (مؤنس، ۱۹۸۷: ۶۶). این اثر که براساس اطلاعات

به‌دست‌آمده از نسخه سمهودی تنظیم شده بود در سال ۱۹۸۷م/۱۳۶۶ش منتشر شد. در این نقشه تلاش شده بود براساس تصاویر هوایی، ابتدا ابعاد صحیح منطقه و موقعیت شاخصه‌های طبیعی منطقه و ابعاد و فاصله آنها از یکدیگر به‌خوبی ترسیم شود و سپس، موقعیت سکونت هر قبیله جداگانه مشخص شود.

شواهد و قراین دیده‌نشده

پس از گذشت بیش از چهارده قرن از روزگار پیامبر (ص) شناسایی جغرافیای انسانی و مساحت دولت‌شهر ولهاوزن، واحه وات، شهرک‌های لکر و شهر یا شهرک بوهل و شولر و مانت امری دشوار است و به همین علت این مسئله تاکنون حل نشده باقی‌مانده است. حال باید پرسید برای اندازه‌گیری مساحت این سرزمین کدام روش کارآمد است؟

واقعیت آن است که بدون شناخت کافی از جغرافیای طبیعی یثرب، به‌سرانجام‌رساندن چنین پژوهشی ناممکن است. گزارش‌های منابع جغرافی‌انگارانه و سفرنامه‌نویسان از مدینه، به‌طور معمول به دوره‌های بعد مربوط است؛ یعنی زمانی که مدینه به یک شهر تبدیل شده بود؛ در حالی که بدون تردید، در دوره پیامبر مدینه یک شهر نبود (اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۲۱ تا ۳). در نتیجه، باتوجه به تحولات روی داده در جغرافیای مدینه، باید با گزارش‌های موجود با احتیاط برخورد کرد.

مهاجرت به سرزمین‌های فتح‌شده، شیوع بیماری، خشکسالی‌ها، بلایای طبیعی و توجه یا بی‌توجهی حاکمان در برخی دوره‌های تاریخی به رونق شهر و رفاه ساکنان آن، کاهش جمعیت و کوچک‌ترشدن محدوده شهر را موجب می‌شد. از سوی دیگر، مهاجرت کوچ‌نشینان و روستا‌نشینان به شهر و گسترش محدوده شهر در سده اخیر، بسیاری از این شواهد و

قراين را در مناطق نوساخته مدفون کرده و راه را برای کاوش‌های باستان‌شناسانه دشوار کرده است.

امروزه تعیین هویت یافته‌های کاوش‌های باستان‌شناسانه و بناهای تاریخی باقی‌مانده از گذشته براساس حدس و گمان انجام می‌شود؛ برای نمونه، محل مساجدی که در زمان پیامبر(ص) بنا شده‌اند، جز سه مسجد قبا و مسجد قبلتین و مسجد نبوی که اطمینان وجود دارد در همان موقعیت جغرافیایی و در دوره پیامبر(ص) بنا شده‌اند، درباره دیگر مساجد اطمینان نسبی وجود ندارد.

در زمان کنونی موقعیت برخی مساجد قدیمی نامعلوم است. درباره موقعیت مسجد فضیخ که مسجد بنی‌خطمه بود دو دیدگاه متعارض وجود دارد. درباره قلعه‌هایی که در جنوب یثرب کشف شده است نیز نمی‌دانیم از آن چه کسی بوده است؛ هرچند امروزه آن را به کعب بن اشرف، از بزرگان قبیله بنی‌نضیر، نسبت داده‌اند که حدسی بیش نیست.

بیشتر شواهد و قرائنی که برای حدس‌زدن موقعیت جغرافیای مسکونی قبایل و عشایر یثرب ارائه می‌شود شواهدی است که باید در جغرافیای طبیعی یثرب جست‌وجو کرد؛ مانند موقعیت کوه‌ها، دشت‌ها، رودخانه‌ها، درجه حرارت، میزان بارندگی و آبادانی. ولی مطالعه‌های صورت‌گرفته نشان داد بیش از همه تمرکز بر دشت‌گذاری‌های یثرب می‌تواند این پژوهش را گامی به پیش برد.

دشت‌گذاری‌های یثرب مهم‌ترین و مؤثرترین پدیده طبیعی است که فهم تاریخی را از جغرافیای یثرب، به‌ویژه جغرافیای انسانی و سیاسی آن، تغییر خواهد داد. برای توضیح این پدیده طبیعی می‌توان گفت در مناطق بسیار وسیعی در غرب شبه‌جزیره و حجاز، سطح زمین از لایه‌های آتش‌فشانی سردشده پوشیده شده است؛ بنابراین برخلاف بسیاری از مناطق جهان،

فوران گدازه‌های آتش‌فشانی این منطقه کمتر به کوه‌زایی منجر شده است. رقیق‌بودن گدازه‌های به‌سطح‌آمده، موجب جریان آنها در سطح زمین و ایجاد پوشش‌های وسیع ماگمایی در شمال حجاز شده است. این اتفاق در دوره میوسن، از دوران سنوزوئیک و در بیست‌وسه تا پنج میلیون سال پیش افتاده است (داستان‌پور، ۱۳۷۳: ۸۳).

در گذشته به اراضی پوشیده‌شده از سنگ‌های ماگمایی حرّه می‌گفتند. معادل‌های فارسی به‌کاررفته در دوره معاصر، از این پدیده تصور روشنی به خواننده منتقل نمی‌کنند و به همین علت در این مقاله، برای بیان آن از معادل دشت‌گذاری (lava field) استفاده شده است.

دشت‌گذاری‌ها خاصیت‌های متعددی دارند؛ از جمله اینکه به‌مثابه سدّی امنیتی عمل می‌کنند و قبایل و عشایری که در مجاورت آنها اقامت دارند، به‌سان جوامعی که در مناطقی کوهستانی زندگی می‌کنند، از امنیت نسبی برخوردار می‌شوند؛ زیرا عبور و تردد از میان دشت‌گذاری‌ها ناممکن است و سنگ‌های سردشده و تیز آن تمام سطح زمین را پوشانده است و عبور از میان آن به‌سادگی ممکن نیست. از این رو در صورت وجود موقعیت مناسب، قبایل ترجیح می‌دهند در کنار دشت‌گذاری‌ها اقامت داشته باشند تا مطمئن شوند از آن جهت آسیبی به آنها نخواهد رسید. نام‌هایی همچون حرّه بنی‌بیاضه (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۵۱)، حره بنی‌سلیم (ابن‌الفقیه، ۱۴۱۶: ۹۰) نشان می‌دهد چه قبیله‌ای در کنار آن دشت‌گذاری زندگی کرده است.

گسترش مطالعه‌های دانشگاهی در قرن بیست میلادی، از این پدیده در غرب شبه‌جزیره شناخت بیشتری ارائه کرده‌اند (کعکی، ۲۰۰۶: الجزء الثالث، المجلد الثاني، ۴۱۵). در اثر این مطالعه‌ها، دشت‌گذاری‌های بزرگ غرب شبه‌جزیره، شناسایی و

شمارش و نام‌گذاری شده‌اند. در گذشته، سه دشت‌گدازه کوچک یثرب را جداگانه واقم و وبره و شوران نام‌گذاری می‌کردند؛ در حالی که امروزه مشخص شده است تمام دشت‌گدازه‌های یثرب بخش‌های کوچکی از دشت‌گدازه بزرگ رهط‌اند که بیست هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. دشت‌گدازه‌های شرقی و غربی و جنوبی یثرب محوطه‌ای امن و نعل‌اسبی‌شکل را برای ساکنان آن، سرزمین تأمین کرده بود که با حفر خندق در شمال آن، امنیت کامل این منطقه فراهم می‌شد. از آنجا که یثرب سکونتگاه طوایف اوسی و طوایف خزرجی و طوایف یهودی بود، باید مشخص شود کدام قسمت‌های این نعل‌اسبی سکونت‌پذیر بوده است.

نخستین مورخان مسلمان زمانی که می‌خواستند هجرت پیامبر(ص) را گزارش کنند از جایی به نام قُبا نام بردند که پیامبر مدتی در آنجا اقامت کردند. قبا منطقه مسکونی چند قبیله از اوس بود؛ قبایلی همچون بنی عمرو بن عوف، بنی ضُبَیْعَه بن زید و بنی امیه بن زید (سمهودی، ۲۰۰۱: ۳۴۷/۱). جغرافیای منطقه قبا نشان می‌دهد این منطقه در جنوب نعل‌اسبی مدنظر قرار گرفته است. از طرف دیگر، می‌دانیم نبردهای احد و خندق در کنار کوه احد در شمال یثرب اتفاق افتاده است. بررسی گزارش‌های نبردهای احد و خندق نشان می‌دهد دو قبیله بنی عبد‌الْأَشْهَل از اوس و بنی سَلِمْه از خزرج در شمالی‌ترین مناطق نعل‌اسبی مدنظر ساکن بودند و خندق در نزدیکی خانه‌های آنها بود (واقعی، ۱۹۸۹: ۴۵۰/۲). بر این اساس مشخص می‌شود قبایل اوس و خزرج در بخش‌های جنوبی و شمالی منطقه نعل‌اسبی مدنظر زندگی می‌کردند؛ در نتیجه محدوده یثرب با مساحت کل اراضی درون نعل‌اسبی برابر است.

نکته‌ای که باقی‌مانده، تردیدی است که وات و

پس از او دیگران آن را بررسی کرده‌اند و آن اینکه یثرب نام کل این منطقه بوده است یا نام بخشی از آن. منشأ این ابهام آیه ۱۳ سوره احزاب است که درباره حوادث نبرد خندق نازل شده است. در این آیه آمده است: «ساکنان یثرب یکدیگر را صدا می‌زدند و به همدیگر می‌گفتند خانه‌هایتان در معرض تهدید است».

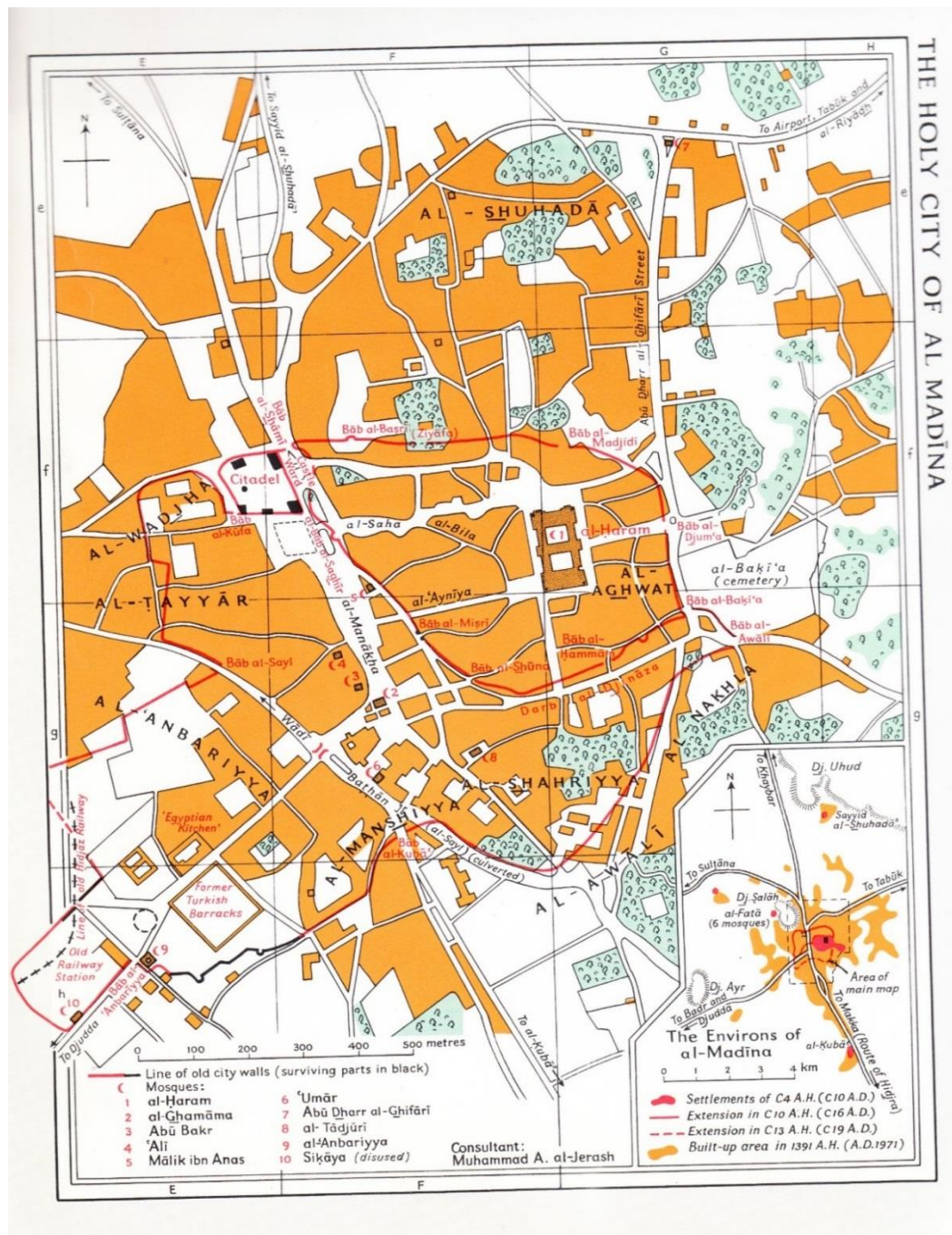
در این آیه، مقصود از یثرب بخش کوچکی از یثرب دوره پیامبر(ص) است که طایفه بنی‌حارثه در آن زندگی می‌کردند؛ چنانکه در نقشه‌های محمد شوقی مکی و مایکل لکر هم موقعیت آن مشخص شده است. این بخش را باید یثرب قدیم نامید؛ یعنی بخشی که تاریخی طولانی‌تر داشت و در دوره پیامبر، قبیله بنی‌حارثه از اوس در آن زندگی می‌کردند. در برابر یثرب قدیم باید از یثرب جدید سخن گفت که با افزایش مهاجرت به این منطقه شکل گرفت و منطقه‌ای به شکل نعل‌اسب را دربرمی‌گرفت که از سه طرف، دشت‌گدازه‌ها از آن صیانت می‌کردند. یثرب جدید منطقه‌ای گسترده بود و سکونتگاه تمام طوایف اوسی، طوایف خزرجی و طوایف یهودی را دربرمی‌گرفت؛ بنابراین یثرب قدیم هم درون آن قرار داشت.

امروزه محاسبه مساحت منطقه نعل‌اسبی یثرب جدید دشوار است؛ زیرا برای این کار باید مرزهای دشت‌گدازه‌های یثرب معلوم شود؛ اما باتوجه به گسترش محدوده شهر و ساخت‌وسازهایی که در مناطق دشت‌گدازه‌ای صورت گرفته، مرز واسط میان محدوده نعل‌اسبی و دشت‌گدازه‌های یثرب مدفون شده است. در نتیجه، برای شناخت محدوده مدینه به تخصص‌های دیگری نیاز است.

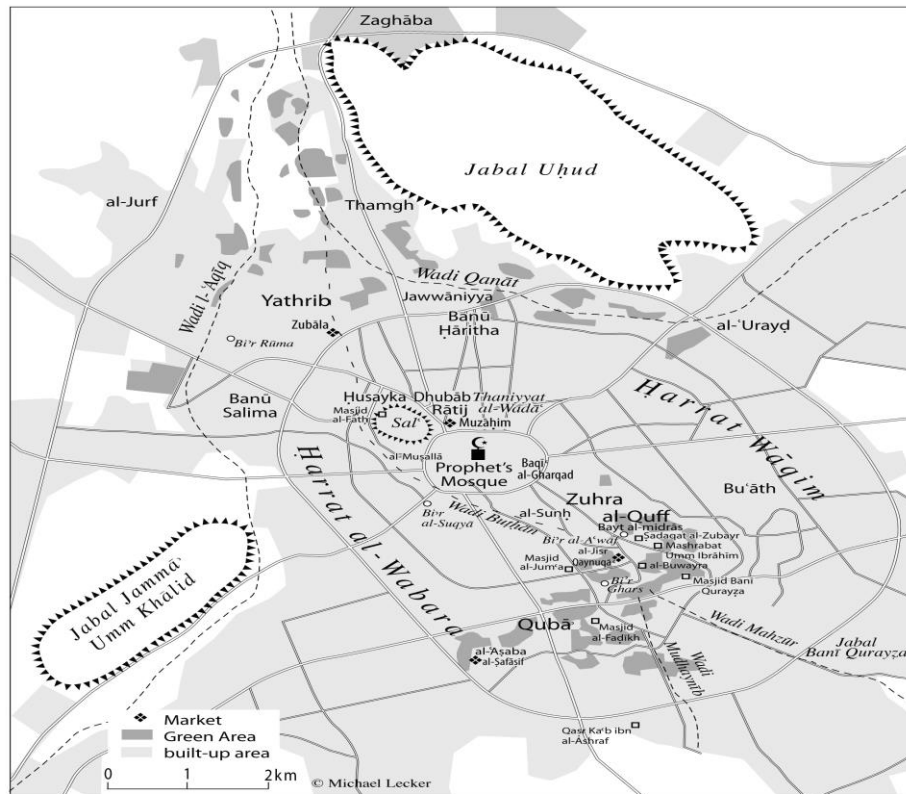
در مقاله حاضر از مطالعه‌های خاک‌شناسی صورت‌گرفته در مدینه استفاده شد تا جزئیات مرز

بررسی نقشه مدنظر با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی (Geographic Information System) نشان داد مساحت منطقه مدنظر در نقشه مکی حدود ۴۰ کیلومتر مربع (۱۵,۵ مایل مربع)، معادل چهار هزار هکتار، است. مساحتی که حدود ۱۰ کیلومتر طول و ۴ کیلومتر عرض دارد.

حائل میان دشت گدازه با یثرب جدید مشخص شود و پس از آن، محاسبه مساحت یثرب جدید ممکن شود. محمدشوقی مکی، استاد جغرافیای دانشگاه ملکسعود ریاض، پس از مطالعه‌های فراوانی که روی خاک و سنگ‌های این منطقه انجام داد مرز دشت‌گدازه‌ها با مناطق مسکونی یثرب را در نقشه مشخص کرد (مکی، ۱۹۸۵: ۱۲).

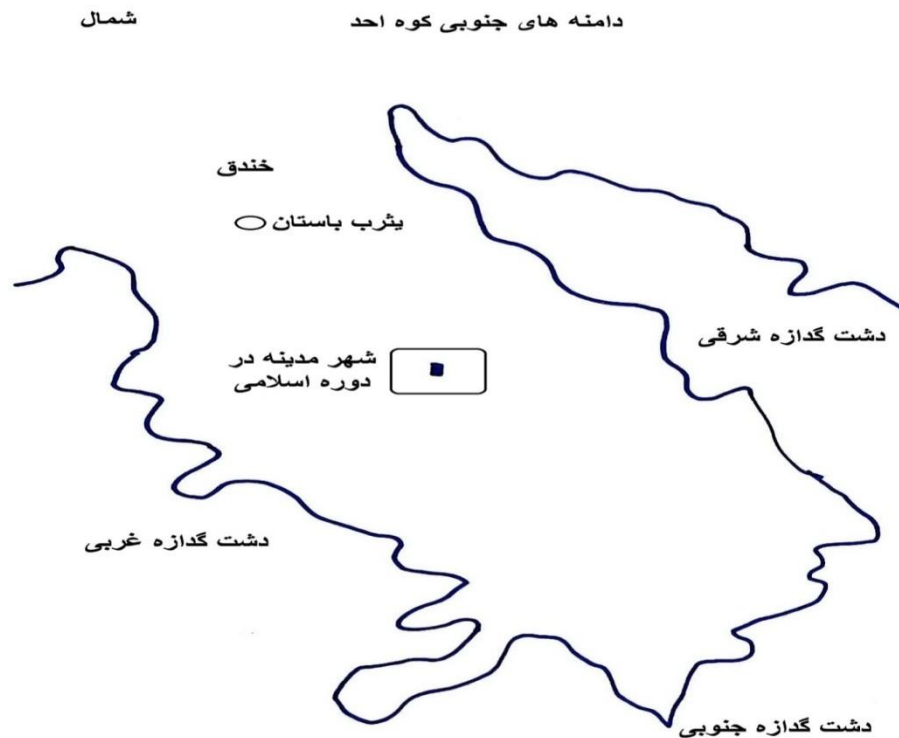


شکل ۱- نقشه الدین راتر (۱۹۲۸) در ویرایش نخست و دوم اطلس تاریخی اسلام لایدن



THE MARKETS OF MEDINA (YATHRIB) ON THE EVE OF ISLAM

شکل ۲- نقشه مایکل لکر از بازارهای یثرب/مدینه



منطقه نعل اسبی یثرب در آستانه ظهور اسلام
(با تکیه بر نقشه محمد شوقی مکی در اطلس المدينة المنورة ۱۹۸۵)

شکل ۳- منطقه نعل اسبی یثرب در آستانه اسلام

نتیجه

این پژوهش نشان داد خاورشناسان در ارائه تعریف از مدینه و تعیین مساحت آن با یکدیگر هم‌نظر نیستند. تعدادی از خاورشناسان همچون بوهل در سال ۱۹۳۴م و مانست در سال ۲۰۱۳م بر شهرک بودن مدینه تأکید کردند. باتوجه به دیوارهای بازمانده از مدینه تا اوایل سده بیست میلادی که نقشه آن موجود و اندازه‌های آن مشخص است، شهرک بودن مدینه به این معنی است که مدینه شهرکی چهارضلعی بوده که طول هر ضلع آن حدود ۵۰۰ متر بوده و مساحت آن از ۲۵ هکتار بیشتر نبوده است.

از طرف دیگر، خاورشناسانی همچون ولهاوزن معتقدند مدینه مجموعه‌ای از روستاهاست؛ بنابراین به طور طبیعی، باید مساحت مدینه‌ای که در باروی آن محصور شده است، بسیار بیشتر از ۲۵ هکتار باشد. وات نیز که در سال ۱۹۸۶م گفت مدینه از چند سکونتگاه تشکیل شده بود که نخلستان‌ها و مزرعه‌ها و قلعه‌هایی را دربرمی‌گرفت گویا همین نظر ولهاوزن را پذیرفته بود. نظر او به نظر ولهاوزن بسیار نزدیک است؛ ولی برای مدینه از واژه شهرک استفاده کرد که با تعریف او متناقض به نظر می‌رسد.

لکر در سال ۱۹۸۶م و پس از آن در مقاله‌هایی که نوشت به طور کلی مدینه را تعریف نکرد و درباره مساحت آن و اینکه چه قلمرویی را دربرمی‌گرفت صحبتی نکرد. او معتقد است در این منطقه شهرک‌های خوشه‌ای وجود دارد و این عبارت می‌تواند معادل مجموعه روستاهای ولهاوزن تلقی شود. او یثرب را تعریف کرده و یکی از آن شهرک‌ها را یثرب شمرده است؛ ولی مدینه را تعریف نکرده و مساحتی از آن ارائه نکرده است؛ به همین علت وقتی در مقاله و نقشه خودش از بازارهای مدینه یا یثرب صحبت کرده مشخص نشده است بازارهای مدینه

یعنی کجا؛ زیرا از مدینه تعریفی ارائه نکرده است. علاوه بر این، یثربی که او در مقاله خود معرفی کرده است یثرب قدیم است و با داده‌های موجود از یثرب عصر پیامبر(ص) سازگاری ندارد. یثرب قدیم بسیار کوچک‌تر از آن است که بازارهای متعددی درون خود جای دهد؛ کما اینکه او در نقشه خود هم نشان داده است برخی از این بازارها با یثرب او کیلومترها فاصله دارند.

همین دشواری‌ها باعث شد شولر هم تعریف واضحی از مدینه ارائه نکند و آن را ترکیبی از مناطق مسکونی بداند (۲۰۰۳م). با این حال شولر برای نخستین بار در پی تعیین مساحت مدینه برآمد و آن را با مساحت امروزی شهر مدینه برابر دانست؛ یعنی «چندین مایل مربع». ولی براساس برخی وبگاه‌های رسمی، مساحت امروزی مدینه ۵۰ کیلومتر مربع معادل ۱۹,۳ مایل مربع است. اگر مساحت مدینه را ۵۰ کیلومتر مربع در نظر بگیریم، ۲۰۰ برابر بزرگ‌تر از مساحت شهرک مدینه است که باروها آن را احاطه کرده بودند. چنین تعریفی نشان می‌دهد مساحت مدینه چقدر از یک شهرک فزاتر است؛ ولی شولر در محاسبه چنین مساحتی قدری دچار خطا شده و آن را معادل «چند مایل مربع» دانسته است که البته بیشتر از اینهاست.

اطلس‌های گوناگونی نیز که از سرزمین‌های اسلامی ارائه شده است به طور معمول از شهر مدینه نقشه‌ای ارائه نکرده‌اند. در دایرةالمعارف لایدن دو ویراست از نقشه مدینه وجود دارد که هر دو نقشه‌های الدن راتر، سیاح انگلیسی‌اند. این سیاح در اوایل سده بیست میلادی از مدینه دیدن کرد و نقشه‌های او همچنان همان ذهنیت شهرک بودن مدینه را تداعی می‌کنند. نقشه کترمان نیز همین وضعیت را دارد و با نگاه لکر و شولر به طور کامل فاصله دارد.

شناخت جغرافیای طبیعی، تاحدود چشمگیری مسئله مساحت مدینه/یثرب در عصر پیامبر(ص) را حل می‌کند. مطالعه‌های محمد شوقی مکی مرزهای منطقه نعل‌اسبی را نشان می‌دهد که از سه جهت شرق و غرب و جنوب با دشت‌گدازه‌های رهط احاطه شده و مصون شده بود. دهانه فضای نعل‌اسبی مدنظر در شمال آن و در مجاورت کوه احد قرار دارد که در سال پنج هجری با حفر خندقی امنیت کامل آن تأمین شد. به نظر می‌رسد یثرب دوره پیامبر همین منطقه نعل‌اسبی است که سکونت‌گاه‌های بسیاری را دربرگرفته بود.

اطلاعات ما از سکونتگاه‌های اوس و خزرج نشان می‌دهد آنها در آن منطقه پراکنده بودند؛ بنابراین این امکان وجود دارد که مساحت یثرب عصر پیامبر(ص) را با مساحت منطقه نعل‌اسبی مدنظر معادل دانست. براساس بررسی که هنگام این پژوهش انجام شد و با تکیه بر سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)، مساحت این منطقه حدود ۴۰ کیلومتر مربع برآورد می‌شود؛ یعنی چهارضلعی به طول ۱۰ کیلومتر و عرض ۴ کیلومتر. بر این اساس، می‌توانیم بازارهایی را که لکر به آنها اشاره کرده و قلعه‌ها و نخلستان‌ها و مزرعه‌هایی که در تعریف ولهاوزن و وات آمده است درون آن در نظر بگیریم.

سپاسگزاری

از دکتر عباس احمدوند و دکتر قنبرعلی رودگر برای در دسترس قرار دادن منابع لاتین و از دکتر ابراهیم استارمی برای تطبیق ترجمه متن آلمانی یولیوس ولهاوزن و از دکتر رومینا سیاح‌نیا برای محاسبه مساحت منطقه براساس سامانه GIS صمیمانه سپاسگزارم.

پی‌نوشت

۱. به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب اینجا جای توقف شما نیست؛ به خانه‌های خود بازگردید!» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی‌حفاظ است!»، در حالی که بی‌حفاظ نبود؛ آنها فقط می‌خواستند فرار کنند.

کتابنامه

- . ابراهیم الشریف، احمد، (۱۹۶۵)، مکه و المدینه فی الجاهلیه و عصر الرسول، قاهره: دار الفكر العربی.
- . ابن‌الفقیه، احمد، (۱۴۱۶ق)، البلدان، بیروت: عالم الکتب.
- . ابوخلیل، شوقی، (۱۹۸۴)، اطلس التاریخ العربی الاسلامی، دمشق: دارالفکر.
- . اسماعیلی، مهران، (تابستان ۱۳۹۳)، «تحول‌های ساختاری در جغرافیای زیستی مدینه»، مطالعات تاریخ اسلام، س ۶، ش ۲۱، ص ۲۹ تا ۴۶.
- . -----، (بهار و تابستان ۱۳۹۷)، «دهستان یثرب/مدینه در دوره پیامبر بر پایه شواهد و قراین سده‌های نخست هجری»، تاریخ تمدن اسلامی، دوره ۱۴، ش ۲۷، ص ۳ تا ۲۱.
- . انصاری، عبدالقدوس، (۱۹۷۳)، آثار المدینه المنوره، نوبت سوم، بیروت: دارالعلم للملایین.
- . داستان‌پور، محمد، (۱۳۷۳)، زمین‌شناسی تاریخی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- . سمهودی، علی، (۲۰۰۱)، وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، به کوشش قاسم سامرائی، لندن: موسسه الفرقان للتراث الاسلامی.
- . العلی، صالح احمد، (۱۹۶۶)، «خطط المدینه المنوره»، مجله العرب.
- . کعکی، عبدالعزیز، (۲۰۰۶)، معالم المدینه المنوره

- . -----, (2013), *The Prophet's City before the Prophet in History and Identity in the Late Antique Near East* (ed: Philip Wood), New York, Oxford University Press.
- . -----, (2014), *the Holy City of Medina: Sacred Space in Early Islamic Arabia*, Cambridge University Press.
- . Nicolle, David, (2005), *Historical Atlas of the Islamic world*, Newyork, Checkmark book.
- . Rutter, Eldon, (1928), *the Holly Cities of Arabia*, London and New York, Putnam.
- . Schöller, Marco, (2003), "Medina", *Encycloapedia of the Quran*, Vol 3, pp. 367-372.
- . Watt, W. M., (1986), "Al-Madina", *El²*, vol 5, p.994, Leiden, Brill.
- . Wellhausen,Julius, (1889), *Medina vor dem Islam. Muhammads Gemeindeordnung von Medina. Seine Schriften und die Gesandtschaften an ihn*, In: *Skizzen Und Vorarbeiten*, Berlin, Teil 4.
- بین العمارة و التاريخ، الجزء الثالث: تاريخ و عمارة الحصون و الآطام، الأسوار و الأبواب، القلاع و الأبراج، المجلد الثاني، بيروت: دار احياء التراث العربی.
- . مکی، محمدشوقی، (۱۹۸۵)، *اطلس المدينة المنورة*، ریاض: جامعة الملك سعود.
- . مؤنس، حسین، (۱۹۸۷)، *اطلس تاریخ الاسلام*، قاهرة: الزهراء.
- . واقدی، محمدبن عمر، (۱۹۸۹)، *المغازی*، به کوشش مارسدن جونز، بیروت: دارالاعلمی.
- . یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، (۱۴۲۲)، *البلدان*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- . Brice, William C., (1981), *An Historical Atlas of Islam*, Leiden, Brill, (1th ed).
- . Buhl, Frants, (1934), *al-Madina*, *El¹*, vol3, Leiden, Brill.
- . Hanks, Reuel R., *Encyclopedia of Geography Term, Theme and concepts*, England, Oxford, ABC-CLIO LLT.
- . Kennedy, Hugh, (2002), *An Historical Atlas of Islam*, Leiden, Brill, (2th ed).
- . Kettermann, Günter, (2001), *Atlas zur Geschichte des Islam*, Primus Verlag.
- . Lecker, Michael, (1985), *Muhammad at Medina: a Geographical Approach*, Jerusalem, *Studies in Arabic and Islam (JSAI)* 6, pp. 29-62.
- . -----, (1986), *On the markets of Medina (Yathrib) in pre-Islamic and early Islamic times*, *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 8, 133-47.
- . -----, (1996), *Biographical notes on Ibn Shihab al-Zuhri*, *Journal of Semitic Studies* 41, 21-63.
- . -----, (2009), *Lost towns: Zuhra and Yathrib*, in Jeremie Schiettecatte and Christian Robin (eds.), *L'Arabie à la veille de l'Islam: Bilan clinique*, Paris: De Boccard, 29-35.
- . Liddell, Henry, (1869), *A Greek-English Lexicon*, Oxford, Clarendon press.
- . Munt, Harry, (2012), *Writing the History of an Arabian Holy City: Ibn Zabāla and the First Local History of Medina*, *Arabica*, 59.